

گنجۀ ۱

تفسیر و تصحیح مبسوط و تحلیلی استدلالی

منظومۀ عشقی عرفانی خسرو و شیرین نظامی گنجوی

مسین سلیمانی (وزبانی)

سلیمانی روزبهانی، حسین، ۱۳۲۴ -

گنج ۱ [یک] تفسیر و تصحیح مبسوط و تحلیلی استدلالی منظومه عشقی عرفانی خسرو و شیرین نظامی گنجوی / به قلم حسین سلیمانی روزبهانی. -- تهران: موج، ۱۳۸۵. ۶۲۴ ص.

شابک: ۷ - ۳۱ - ۵۸۳۴ - ۹۶۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰؟ - ۶۱۴؟ ق. -- خسرو و شیرین -- نقد و تفسیر. ۲. شعر فارسی -- قرن ۶ ق. -- تاریخ و نقد. الف. نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰؟ - ۶۱۴؟ ق.، خسرو و شیرین. شرح. ب. عنوان. ج. عنوان: خسرو و شیرین. شرح.

۸۶۱ / ۲۳

PIR ۵۱۲۸ / ۸ گ

۱۳۸۴

۴۶۸۱۶ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



نشر موج

گنج ۱

تفسیر و تصحیح مبسوط و تحلیلی استدلالی
منظومه عشقی عرفانی خسرو و شیرین نظامی گنجوی
به قلم حسین سلیمانی روزبهانی

ناشر: موج؛ چاپ اول مهارت ۱۳۸۵؛ ۱۵۰۰ نسخه

آدرس: انقلاب - ۱۲ فروردین - وحید نظری غربی - کوچه جاوید ۱ پلاک ۱۷۷ واحد ۱

صندوق پستی ۱۴۵۷ - ۱۳۱۴۵ پیام گیر ۶۶۴۹۵۲۷۴ تلفن: ۶ - ۶۶۹۵۹۹۲۵

فهرست

۹	یادبود.....
۱۱	مقدمه.....
۱۲	سخنی با خواننده.....
۱۳	انگیزه و چگونگی تفسیر و تصحیح.....
۱۸	دیار من.....
۱۹	نظامی کیست.....
۲۱	خسرو و شیرین.....
۲۳	در توحید باری عز اسمه.....
۲۷	در استدلال در توفیق شناختن.....
۳۱	در مناجات.....
۳۴	فی نعت خاتم النبیین علیه الصلوة والسلام.....
۳۷	در اشارت اولوالامر به نظم کتاب.....
۴۱	در مدح طفول ارسلان.....
۴۵	در مدح اتابک ابوجعفر محمد بن ایلدگز جهان پهلوان.....
۵۱	خطاب زمین بوس.....
۵۵	در مدح پادشاه سعید قزل ارسلان.....
۶۴	در سبب نظم کتاب و کلمه‌ای چند در عشق.....
۷۲	عذر انگیزختن در نظم این داستان.....
۷۸	آغاز داستان خسرو و شیرین.....
۸۳	رفتن خسرو به شکار و از آنجا به خانه دهقان.....
۸۷	سیاست نمودن هرگز خسرو را.....
۸۹	به خواب دیدن خسرو نیای خویش را.....
۹۲	صفت کردن شاپور حسن شیرین را و عاشق شدن خسرو.....
۱۰۰	رفتن شاپور به ارمن به طلب شیرین.....
۱۰۳	نمودن شاپور صورت خسرو را به شیرین بار اول.....

۱۰۷	نمودن شاپور صورت خسرو را بار دوم
۱۰۹	نمودن شاپور صورت خسرو را بار سوم
۱۱۲	نمودن شاپور خود را به شیرین
۱۲۲	رفتن شیرین به شکار و از آنجا به مدائن
۱۲۹	گریختن خسرو از هرمز و رفتن او به ارمن
۱۴۱	رسیدن شیرین به مشکوی خسرو
۱۴۳	خبر یافتن شیرین از گریختن خسرو از بیم پدر خویش
۱۴۵	رسیدن خسرو به ارمن
۱۴۸	در صفت بزم خسرو و آمدن شاپور
۱۵۵	خبر دادن خسرو مهین بانو را از حال شیرین
۱۶۰	خبر یافتن خسرو از واقعه هرمز
۱۶۵	رفتن خسرو به دارالملک مدائن
۱۶۶	باز آمدن شیرین و شاپور به ارمن پیش مهین بانو
۱۶۸	گریختن خسرو از بهرام و رفتن به ارمن
۱۷۰	رسیدن خسرو و شیرین در شکارگاه به یکدیگر
۱۷۵	نصیحت کردن مهین بانو شیرین را
۱۸۳	نزهت کردن خسرو و شیرین در بهار
۱۸۶	شیر کشتن خسرو در بزمگاه
۱۸۹	نزهت کردن خسرو با شیرین
۱۹۵	مثل گفتن دختران
۲۰۴	مراد طلبیدن خسرو از شیرین و مانع شدن او
۲۲۱	به خشم رفتن خسرو از شیرین و رفتن به روم و پیوند او با مریم
۲۲۳	لشکر کشیدن خسرو به جنگ بهرام و ظفر یافتن
۲۳۰	نشستن خسرو بار دوم به پادشاهی
۲۳۵	زاری کردن شیرین از مفارقت خسرو
۲۳۹	وفات کردن مهین بانو و وصیت او با شیرین
۲۴۶	نشستن شیرین به پادشاهی بر جای مهین بانو
۲۵۰	خبر یافتن خسرو از مرگ بهرام چوبین
۲۶۰	صفت باربد مطرب
۲۶۶	شفاعت خسرو پیش مریم جهت آوردن شیرین

آمدن شاپور به پیغام از پیش خسرو به شیرین	۲۷۰
قصه فرهاد با شیرین	۲۸۸
صحرا گرفتن فرهاد از عشق شیرین	۲۹۵
خبر یافتن خسرو از عاشق شدن فرهاد بر شیرین	۳۰۱
طلب کردن خسرو فرهاد را	۳۰۵
مناظره خسرو با فرهاد	۳۱۱
کوه کندن فرهاد و زاری کردن	۳۱۸
رفتن شیرین به دیدن فرهاد به کوه بیستون	۳۳۲
خبردار شدن خسرو از رفتن شیرین به دیدار فرهاد و کشتن فرهاد به مکر	۳۳۷
نامه خسرو جهت عزای فرهاد به افسوس	۳۴۶
جواب نامه شیرین به خسرو جهت تعزیت مریم به طریق طنز	۳۵۱
رسیدن نامه شیرین به خسرو	۳۵۸
صفت شوکت و تنعم خسرو در پادشاهی	۳۶۰
قصه شکر اصفهانی	۳۶۶
تنها ماندن شیرین و مناجات و تضرع کردن	۳۸۱
رفتن خسرو به شکار و از آنجا راندن به قصر شیرین	۳۸۹
سخن گفتن خسرو و شیرین باهم	۳۹۹
جواب دادن شیرین خسرو را [۱]	۴۰۱
پاسخ دادن خسرو شیرین را [۱]	۴۰۸
پاسخ دادن شیرین خسرو را [۲]	۴۱۲
پاسخ دادن خسرو شیرین را [۲]	۴۱۹
پاسخ دادن شیرین خسرو را [۳]	۴۲۳
پاسخ دادن خسرو شیرین را [۳]	۴۳۳
پاسخ دادن شیرین خسرو را [۴]	۴۳۸
پاسخ دادن خسرو شیرین را [۴]	۴۴۵
پاسخ دادن شیرین خسرو را [۵]	۴۵۰
بازگشتن خسرو از قصر شیرین به نومیدي	۴۵۵
رفتن شیرین از عقب خسرو به لشکرگاه	۴۶۲
غزل گفتن نکيسا از زبان شیرین [۱]	۴۷۵
غزل گفتن یارید از زبان خسرو [۱]	۴۷۷

۴۸۳	غزل گفتن نکيسا از زبان شیرين [۲]
۴۹۰	غزل گفتن باريد از زبان خسرو [۲]
۴۹۳	غزل گفتن نکيسا از زبان شیرين [۳]
۴۹۶	غزل گفتن باريد از زبان خسرو [۳]
۴۹۹	غزل گفتن نکيسا از زبان شیرين [۴]
۵۰۴	غزل گفتن باريد از زبان خسرو [۴]
۵۰۸	بيرون آمدن شیرين از خرگاه
۵۱۴	آوردن خسرو شیرين را از قصر به مدائن
۵۱۸	عروسی کردن خسرو و شیرين
۵۳۲	ترغيب کردن شیرين خسرو را در دانش
۵۴۱	گفتن بزرگ اميد چهل نکته از کليله
۵۴۸	در صفت کمال نفس خود گويد
۵۵۱	بند کردن شيرويه خسرو را
۵۵۹	کشته شدن خسرو
۵۶۴	جان دادن شیرين در دُخمة خسرو
۵۷۵	در نصيحت فرزند خویش گويد
۵۷۶	خواب خسرو
۵۸۲	نامه رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم به خسرو
۵۸۸	در معراج رسول صلى الله عليه و سلم
۵۹۳	در مذمت جهان و مذمت ابناء روزگار
۶۰۷	ملاقات نظامی با مظفرالدين عثمان قزل ارسلان

مقدمه

نگارنده نه شاعر است، نه شعرشناس و نه صاحب تخصصی ادبی، تنها در زمینه شعر دارای طبعی ست اندک و مهارتی ناچیز.

نه فرزانه هستم، نه فرهیخته
نه عارف که در کوچ شفاف جان
ندانم چرا عازم امج را؟
که بی برگ ره دارم این ادعا
که گاه که زندگی به زیبایی مینوست، ظرافت انگیزه، سخاوت اندیشه را سبب شده و دانش
نابه سامان، سامان می گیرد. با سرایش شعرکی، بوسه قلم چهره سپید کاغذ را تیلین می کند.
شعر هم اشکیست کاید گاه گاه
قطره کی هر روزه می شوید چمن
حقیق دبی رست روستایی و دود چراغ خورده که بسیاری از شبها بی اختیار سر بر دامن کتاب
نهاده و به ژرفای خواب فرو رفته است، و بیش از بیست سال متوالی اوقات فراغت از تعلیم و
تربیت را عاشقانه به مطالعه و بررسی آثار کلاسیک، نیمایی و سپید پرداخته که همین امر موجب
سرایش شعرکهایی گردیده است.
از آنجا که این سروده ها فعلاً کمیستی ست قلیل در کیفیتی علیل، چاپ و انتشارشان به آینده ای
نه چندان دور موکول می گردد.

مشروط بر بقاء عمر

سخنی با خواننده

در گذشته جهت آگاهی از چگونگی و سیر تاریخی جریان، بارها توفیق مطالعه «پنج گنج» نابغه گنجه دست داده و هربار به مشکلاتی برخورد کرده بودم که تحلیل و تفسیرشان در سیالۀ ذهن نامحلول مانده بود.

مطالعه تفاسیر ارزشمند و ارزنده مفسران مملکت، هر یک به سهم خود مشوقی جهت پیگیری امر در خصوص احیای شخصیت علمی و ادبی در یتیم گنجه، همچنین روشنگری نکات مبهم موجود در ابیات کتب ذی قیمت آن شاعر بی بدیل شد که اینک به نگارش این وجیزه منتج گردیده است.

هرچند در این مختصر حق مطلب به شایستگی ادا نشده، لکن در حد فهم و بینش مفسر در ادای دین نسبت به شاعر و فرهنگ و زبان پارسی تعلل جایز نشمرده و در بازسازی نقش فرهنگی شاعر بلند پایه و حکیم گرانمایه کوتاهی به عمل نیامده است.

آنچه بدیهی است تنها با وجود بار ادبی، هیچ مفسری قادر به تفسیر کلیه ابیات منظومه‌های ارزنده شاعر نبوده بلکه تفسیر کامل همه ابیات جز ذخیره ادبی نیازمند پشتوانه‌ای از ذخائر علمی و فرهنگ مردم بطور ملموس است. زیرا شاعر گذشته از ادیب بودن به علوم و نجوم تسلط کافی داشته و با فرهنگ مردم نیز مانوس بوده است.

پس چنانچه ادیبی از پس تفسیر کلیه ابیات بر نیامده باشد از نظر این حقیر جای ایراد و تردید نبوده است.

مع الوصف، اگرچه این ناچیز خود را از زمره ادبا و علما نمی‌شمارد، چنانچه احیاناً از عهده تفسیر معدودی از ابیات بر نیامده باشد، علت، عدم دسترسی به منابع مورد نیاز در زمینه‌های مذکور بوده است و خود را نیازمند ارشاد اساتید می‌داند.